

جلد دوم سری کتاب های الکترونیکی بازرگان مدیسه

راز



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به بازرگان مدیسه (سجاد رحیمی مدیسه) است. تکثیر و استفاده از مطالب این کتاب با ذکر منبع، بلامانع می باشد.



مقدمه

به نام آن که جان را فطرت آموخت
آن چه پیش روی شماسست، دومین کتاب از سری کتاب های الکترونیکی بازرگان مدیسه است. خداوند بزرگ را شاکر و سپاسگزارم که توان و توفیق انتشار این Ebbok را در آستانه خدمت سربازی به من عطا نمود. تابستان سال گذشته و قبل از راه اندازی این وبلاگ، برادرم فیلمی را با عنوان "راز (The Secret)" برای پدرم به نمایش گذاشت و بسیار زیاد از آن تعریف می نمود. من هم کنجکاو بودم که در فرصتی مناسب این مستند را ببینم و علت آن همه تعریف و تمجید را متوجه بشوم. بالاخره یک روز این اثر را به نظاره نشستم و بیش از پیش باور کردم که من هم می توانم به اهدافم برسم اگر قلیاً به آن ها ایمان داشته باشم. با خودم می اندیشیدم که چرا مخاطبان خوب و فهیم **بازرگان مدیسه** از محتوای این فیلم به شکلی ساده و روان آگاه نشوند؟ برای همین تصمیم گرفتم کتاب الکترونیک "راز" را آماده و منتشر بکنم.

لازم به ذکر است که برای تهیه این کتاب بیش از ده ماه زمان صرف شد که بخش زیادی از آن جهت جمع آوری اطلاعات بود. بیشتر محتوای این کتاب الکترونیک از مستند دوبله شده "راز" محصول استرالیاست. هم چنین در قسمت هایی محدود، از محتوای سایت <http://www.theseecret.ir>، کتاب "راز" ترجمه مهدی قراچه داغی، سخنان دکتر عیسی جلالی و دکتر علیرضا آزمندیان استفاده شده است. محدود از آن جهت که اکثر محتویات سایت و کتاب، عیناً برگردان مستند اصلی راز بود که مخاطب را دچار نوعی سردرگمی می نمود.

در سراسر این کتاب، تلاش شده است تا پیوستگی محتوا با فرهنگ و سنت ما از ابعاد گوناگون نظیر دین مبین اسلام، ادبیات و فرهنگ ایران زمین حفظ شده باشد.

برای خواندن این کتاب الکترونیک باید متفکر و خردمند بود، پس از مطلق کردن محتوای این کتاب دوری کنید؛ چرا که هر پدیده مخلوق انسان نسبی است و عاری از خطا نیست. بنابراین راز هم نمی تواند مصون از خطا باشد. ولی داشتن چند خطا هم دلیل نمی شود که جهات مثبت آن را نادیده گرفت. اجرای توصیه های راز نیاز به مراقبت از نفس، تمرکز، نظم، تمرین، پیگیری و مطالعه مداوم دارد.

از شما درخواست می کنم این وبلاگ را به دوستان خود معرفی نمایید تا آن ها نیز به بازرگان مدیسه ملحق شوند. از خدا می خواهم که شما نیز به اهداف و آرزوهای بزرگ خود برسید و آن روز مرا در جشن خود شریک کنید.

درج نظر در وبلاگ؛

madisehco@yahoo.com

۰۹۱۳۱۸۱۵۴۸۲

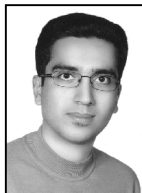
نخستین EBook بازرگان مدیسه را به مادر، پدر، برادر و خواهر عزیزم، همه ایرانیان و فارسی زبانان، کارآفرینان، دانشجویان، اساتید و فارغ التحصیلان مدیریت بازرگانی و آقای رحیم نظری تقدیم نمودم.

دومین کتاب را به **همسر آینده ام** تقدیم می کنم؛

همسری که هنوز او را ندیده ام اما حضورش را در همه جا احساس می کنم و در خلوت خویش با او سخن می گویم.

همیشه آماده خدمتگزاری به شما دوست عزیز هستم.

دوستی با حضور همیشه نهان...



موفق باشید
سجاد رحیمی مدیسه



روباهایت را صدا کن

دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

آیا از مشکلات زندگی خسته شده اید؟

آیا به اندازه کافی پول ندارید؟

آیا از شغلتان ناراضی هستید؟

آیا ماشین مدل جدید می خواهید؟

آیا می خواهید صاحب خانه شوید؟

آیا می خواهید ازدواج کنید؟

آیا می خواهید وارد دانشگاه شوید؟

آیا زندگی تان دچار بحرانهای مختلف شده است؟

آیا تاکنون از خود پرسیده اید که بین افراد ثروتمند و فقیر یا افسرده و شاد و در کل بین انسان های موفق و ناکام

چه تفاوتی وجود دارد؟

آیا می دانید چرا اکثر مردم در بیماری، فقر و گم نامی زندگی می کنند و بعضی ها قله های پیروزی را یکی پس

از دیگری فتح می کنند؟

متأسفانه اکثر مردم، آن چنان در حال تلاش و تقلای جسمی، برای گذراندن امور زندگی هستند که فرصت نمی

کنند به دنبال جواب این گونه سوالات بگردند و با خود بیندیشند که چرا تاکنون زندگی خوبی نداشته اند و چگونه

می توانند یک زندگی عالی و موفق را برای خود ایجاد کنند. آن ها افراد موفق را خیلی خوش شانس تصور می

کنند و نمی دانند که موفقیت و خوشبختی نیز مانند هر کاری در این جهان اصولی دارد و در واقع مرز بین

خوشبختی و بدبختی فقط یک راز است. بازرگان مدیسه این راز را برای شما فاش می کند.

گوشه ای از آنچه پس از خواندن این کتاب الکترونیک بدست خواهید آورد:

افزایش ثروت، کسب شغل مورد علاقه و افزایش درآمد، افزایش ایمان و دوستی با خدا و استجابت دعا، پیشگیری

و درمان کلیه بیماریهای روحی و جسمی، ازدواج موفق، ارتقای تحصیلی و کسب مدارج بالای علمی، موفقیت در

کنکور و ورود به دانشگاه، افزایش خلاقیت، افزایش آرامش ذهنی، تربیت فرزندان خلاق و موفق، ایجاد روحیه شاد و

اعتماد به نفس عالی، ایجاد میدان انرژی برای جذب تمام اهداف و آرزوهایتان و ...

خلاصه اینکه شما پس از مطالعه این کتاب الکترونیک و به کار بستن این راز مهم و بسیار ساده پس از مدت

کوتاهی به راحتی می توانید خوشبخت زندگی کنید. می توانید اتومبیل مورد علاقه تان را تهیه کنید؛ می توانید

صاحب خانه مورد علاقه تان شوید؛ می توانید با شخص مورد علاقه تان ازدواج کنید؛ می توانید در دانشگاه و

رشته مورد علاقه تان ادامه تحصیل دهید و... می توانید هر آنچه را تا به حال برای شما یک آرزوی دست

نیافتنی بوده است، به راحتی بدست آورید.

با خواندن این Ebook به راز کائنات و دستیابی به موفقیت و ثروت پی خواهید برد.

زندگی، هر چه را که بخواهی همان را به تو می دهد.

چشمانت را باز کن.

دلت را بیدار کن.

روباهایت را صدا کن.

راز عظیم

"ای کاش پولدار بودم... ای کاش مجهزترین خانه با کلیه امکانات را داشتم... دوست داشتم میلیونر باشم... دلم

می خواست مجلل ترین عروسی دنیا را برای خود و همسرم برگزار می کردم...". همه ما کم و بیش این صحبت

ها و نقل قول های حسرت گونه را شنیده ایم.



من می خواهم گوشه چشمی از یک راز عظیم را برای شما بیان کنم. حتماً اهرام ثلاثه را در مصر دیده اید. همان

اهرام اسرارآمیزی که همیشه دستمایه ساخت فیلم ها و بازی های بسیاری بوده اند و هنوز بعد از گذشت



سالیان سال، قسمت هایی از آن ناشناخته مانده اند. درست مثل یک راز. این مطلب نیز می خواهد درباره یک راز صحبت کند. منتهی این راز در اهرام مصر یا باغ های معلق بابل نیست. پیش خود ماست. پیش خود شماست. پیش همه است. افرادی نظیر افلاطون، شکسپیر، نیوتن، ویکتور هوگو، بتوون، آبراهام لینکلن، ادیسون، انیشتین، دکتر حسابی و... همگی از این راز اطلاع داشتند. حتی لئوناردو داوینچی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است.

این راز هر چه را که آرزو دارید، به شما می دهد: شادی، سلامتی، ثروت و... کدام را می خواهید؟ با این راز شما می توانید هر چه که می خواهید باشید، انجام دهید یا داشته باشید. می توانید هر چیزی را انتخاب کنید و نگران این نباشید که آن چقدر بزرگ یا کوچک باشد.

از خودم شروع می کنم:

"یک شرکت بازرگانی را در قلب اروپا با نام MADISEH می خواهم. (شاید هم امریکا!!!) خانه ای مجهز به کلیه امکانات؛ از اینترنت و استخر و سونا گرفته تا زمین تنیس و باند فرود هلیکوپتر اختصاصی. یک قایق تفریحی و میلیاردها میلیارد پول حلال که بتوانم با آن، کارهای خیر زیادی انجام دهم و... " باز هم بگویم؟! من فقط ۰/۰۰۰۱٪ احتمال این را می دهم که به این ها نرسم و آن هم خواست خداست.

پس شما هم از خدا بخواهید که اگر به صلاحتان است، به شما ارزانی کند. این یعنی همان **توکل به خداوند بزرگ**. توکل کنید و مطمئن باشید خالق کائنات و زمین به شما می دهد. حتی اگر به مطلوب خود نرسیدید، چیز بهتری انتظار شما را می کشد:

خدا گر ز حکمت بند دری ز رحمت گشاید در بهتری

این راز چیست؟

پول، زیبایی، موفقیت، سلامتی و... دلیل رخ دادن تمام این موارد، داشتن روش به کارگیری یک راز است. این راز بزرگ زندگیست. این راز جواب تمام چیزهاییست که تاکنون بوده، هست و روزی خواهد بود. همه ما با قوانین کاملاً یکسانی، زندگی را رهبری می کنیم. قوانین طبیعی کائنات به اندازه ای دقیق هستند که ما حتی کوچکترین مشکلی در ساخت سفینه های فضایی نداریم. ما می توانیم انسان ها را به ماه بفرستیم و می توانیم زمان فرود را با دقت کسری از ثانیه محاسبه کنیم. مهم نیست شما در ایران باشید یا انگلستان، آسیا یا اروپا. زمین یا مریخ!!! فرقی نمی کند. همه ما با یک نیرو کار می کنیم. یک قانون.

آن راز، **قانون جاذبه** است. قانونی که به اندیشه برمی گردد.

تمام چیزهایی که وارد زندگیتان می شود، خودتان جذب می کنید و این ها به وسیله واقعیت ذاتی تصاویری که شما در ذهنتان دارید، به سمت شما کشیده می شوند. شما درست مانند یک آهن ربا هستید که چیزهایی را که به آن فکر می کنید، به سوی خود می کشید. فکر می کنید چرا ۱٪ ممتاز از جامعه حدود ۹۶٪ ثروت به دست آمده را در اختیار دارند؟ فکر می کنید این یک اتفاق است؟! نه. این اتفاقی نیست. آن ها این راز را می فهمند و حالا شما با این راز آشنا خواهید شد. اجازه بدهید خیلی آسان صحبت بکنم:

اگر شما چیزی را در ذهن تصور کنید، به زودی آن را در مشت خواهید داشت؛ درست مثل یک آهن ربا. به عبارت ساده تر، افکار به اجسام تبدیل می شوند.

معمولاً ما آدم هایی هستیم پر از مشغله ذهنی. باور ندارید؟!

چشمهتان را ببندید. در تاریکی کلی خطوط روشن و اشکال مختلف می بینید. این یکی از موانع انرژی دادن است. پس نفس عمیق بکشید و احساس کنید در اتاق پرواز می کنید. سبک باشید. آن قدر سبک که تمام سلول هایتان دیگر زیر بار هیچ فشاری نباشند. در این موقع است که می توانید مطمئن باشید کائنات هم با شماست. محدودیت ها فقط در ذهن وجود دارند. پس هر وقت محدودیتی به ذهنتان رسید، بی درنگ آن را از مغز خود بیرون کنید.

با یک تمرین شما می توانید به واقعیت آن پی ببرید.

مثلاً در خیابان هستید و دارید راه می روید. ناگهان با خودتان بگویید: امکان ندارد یک نفر آشنا ببیند و این جمله را از ته قلب با خود زمزمه کنید. اگر واقعاً معتقد به این روش باشید، ناگهان کائنات طبق اصول قبلی که بیان شد نظرش به شما جلب می شود و چون از ذهن شما خبر دارد، یک آشنا را روبروی شما سبز می کند. باور ندارید؟! پس امتحان کنید.

شاید در نگاه اول این خلاف گفته هایم باشد اما زمانی که بیشتر دقت کنید، متوجه می شوید که تنها ظاهر امر تغییر می کند. بد نیست گاهی اوقات خلاف جهت جریان آب شنا کنیم:

همه می گویند باید دشمن انسان های بد بود... خب شما به او مهربانی کنید!

همه می گویند مهربان زیاد خوشبختی می آورد... خب چه اشکالی دارد که شما با مهربان کم، خوشبختی را لمس کنید؟

خانه و ماشین آخرین سیستم مهر و محبت را زیاد می کند... اما من می گویم مهر و محبت زنی که پشت موتور و با علاقه به همسر خود محکم چسبیده، بیشتر و زیباتر نمایان است!

تصمیم بگیرید که چه می خواهید. بعد روی آن تمرکز کنید. این فرآیند خلقت است. از لحظه ای که شروع می کنید، چیزی وجود دارد که شما را هدایت می کند و جهت را نشان می دهد.



بخواهید بهترین باشید. با لذت زندگی کنید. هیچ چیز از گذشته شما نمی تواند حق ویژه زندگی شاد شما را انکار کند و هیچ چیز در آینده نمی تواند به غیر از لذت و شادی را برایتان به ارمغان بیاورد. یاد بگیرید فقط عالی ترین ها و بهترین ها را در تجارب و امور روزمره پیدا کنید. آن ها را بارور کنید. در موردشان فکر کنید و بعد منتظر ادامه و وقوع آن ها باشید.

چیزی نیست که شما بخواهید انجام بدهید به جز همان چیزی که خودتان می خواهید انجام بدهید. حالا شما می خواهید چه چیزی را داشته باشید؟ یا چه چیزهایی را؟ آن ها را تصور کنید. همین الان! هر فکر فرکانسی دارد. اگر فکر را بارها و بارها به ذهن خود بیاورید؛ مثلاً خرید یک مرسدس بنز کلاس A، پیدا کردن نیمه گمشده تان، یک لباس یا گردن بند گران قیمت و مجلسی و...، یعنی آن فرکانس را پیوسته منتشر می کنید. تصور کنید در وفور نعمت هستید و آن وقت، جذبش خواهید کرد. این جواب می دهد. برای همه. برای من. برای او. برای شما. برای همگان.

قانون جاذبه در آموزه های اسلامی

شاید برایتان جالب باشد اگر بدانید حتی ادیانی نظیر هندوئیسم، بودیسم، یهودیت و مسیحیت در نوشته ها و دستورات خود به راز اشاره کرده اند. برخی از افراد در جامعه ما این طور نقل می کنند که دین آن ها را از پیشرفت بازداشته است در حالی که تفکر و تحقیق در دین مبین اسلام نیز، کاملاً خلاف این امر را ثابت می کند. ملاحظه بفرمایید این احادیث و آیات را:

۱. و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. (آیه ۶۰ سوره مومنون)
 ۲. یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است.
 ۳. خودشناسی، خداشناسی است.
 ۴. به یاری فکر، تیرگی های کار روشن و آشکار می شود.
 ۵. درد در توست، و درمان هم.
 ۶. بدترین فقر، جهل است.
 ۷. محو کنید موهومات را تا حقیقت را ببینید.
 ۸. قول های مختلف را بشنوید و بهترین ها را انتخاب کنید.
 ۹. علم زمان خود را فرا بگیرید.
 ۱۰. دعای تحویل سال:
- ای دگرگون کننده دل ها! حال ما را نیکو گردان.
و... بسیاری از آیات، روایات و احادیث دیگر.



مشاهده می کنید که تمامی این موارد به نوعی، بحث این کتاب یعنی راز جاذبه را تأیید و تصدیق می کنند. پس چشم های خود را ببندید و در ذهن و قلب خود به خداوند توجه کنید. خدایی که رحمان و رحیم است. خدایی که مطلق دانایی و عشق است. بدانید که حتی اگر سختی در زندگی وجود دارد، برای خودشناسی و خودسازی شماست. این یعنی همان دید مثبت و الهی به جهان پیرامون. شاکر بودن از عوامل موفقیت و ثروتمند شدن است.

پروردگار پوشاننده عیب ها و بدی های ماست. پس از خود او بخواهیم و طلب کنیم:
زندگی خوب؛
همسر مهربان؛
فرزندان خلف؛
مال و دارایی؛
و البته عاقبت به خیری.

در واقع طبق قانون جذب، جهان الهی به ما نزدیک می شود و ما الهی می شویم و قطره ما به اقیانوس می پیوندد. این بالاترین سعادت و رستگاری انسان است.

روش خودتان را کشف کنید

هر کسی در اجرای قانون راز، روش خود را دارد پس سعی نکنید فقط این کتاب الکترونیک را بخوانید، چون ممکن است روش دیگران برای شما کارساز نباشد. سعی کنید این قانون را برای خودتان با آزمایش های مختلف کشف کنید. شاید یکی باید داد بزند یا حتی شاید یکی باید هنگام خواب به آن فکر کند. در هر صورت روش خودتان را کشف کنید.

می توانید بدبختی را به خوشبختی و تهدید را به فرصت تبدیل کنید.
می توانید مشکلات را به راه حل ها مبدل نمایید.
به قول یکی از دوستانم:

اگر حرف "م" را از مشکلات بردارید، تبدیل به شکلات می شود!

گل دقیقه ۹۰

علی دایی اسطوره فوتبال ایران و جهان در یک مصاحبه تلویزیونی، دلیل موفقیت خود را عمل کردن به دستورات قانون جاذبه عنوان کرده است... با این مقدمه کوچک فوتبالی به موضوع اصلی می پردازم:



تا به حال با خودتان فکر کرده اید چرا بیشتر گل های حساس در دقایق ۹۰ و به بعد است؟ چون همه در آن لحظه به این فکر می کنند که دیگر باخته اند و گل زدن کار حضرت فیل است! چرا وقتی یک چیزی را نمی خواهید انجام بشود، ناگهان اتفاق می افتد؟ مثلاً مشغول رانندگی هستید و با خودتان می گوئید نکند پنجر بشوم و ناگهان... این هم نوع معکوس استفاده از قانون راز است. شما از این روش استفاده می کنید که برعکس چیزی را می خواهید و اتفاق می افتد. پس چرا در مورد چیزی که دوست دارید اتفاق بیفتد، از این روش استفاده نمی کنید؟ البته دقت کنید که این به معنای این نیست که در تمام مواقع از روش معکوس استفاده نکنید. روش معکوس در مواردی کاربرد دارد که همگان بر افکار منفی تمرکز می کنند. ظاهراً باید بحث را بشکافم!

دقت کنید دوستان عزیز من!

در بیشتر مواقع مثلاً ما می خواهیم برنده یک قرعه کشی باشیم؛ ناگهان همه شروع می کنند به انرژی دادن و در نتیجه کائنات پر می شود از انرژی های تکراری و کسل کننده. ولی من برعکس عمل می کنم و می گویم: من اصلاً دوست ندارم برنده بشوم و با اعتقاد ۱۰۰٪ این حرف را بیان می کنم. در این لحظه کائنات نگاهش به من جلب می شود که این دیوانه چه می گوید و این تنها شانس من است، چون در این همه شلوغی کائنات دارد به من می نگرند. نمونه بارز این عمل، گلچین شدن اسم من به همراه ۴۹ نفر دیگر از بین بیش از ۱۰۰۰ دانشجو در مراسم قرعه کشی عمره دانشجویی بود. واقعاً یادش بخیر...

یادمان باشد در استفاده از این اصل یکی از بزرگترین نکات، ایجاد تفاوت بین انرژی ساطع شده از ما با دیگر انرژی های موجود می باشد.

ایده جالبی که مدافعان قانون جذب بر اساس آن امکان برآورده شدن هم زمان همه آرزوهای آدم ها و موجودات عالم را ممکن می دانند، نظریه وجود دنیاهای موازی به طور هم زمان در همین دنیایی است که در آن زندگی می کنیم. برای این که نظریه دنیای موازی را بهتر درک کنیم، بهتر است ابتدا دنیایی را که خودمان در آن هستیم یک بار باهم مرور کنیم.

ما ساکنان کره زمین هستیم. کره زمین یکی از سیارات منظومه شمسی است و منظومه شمسی گرد ستاره ای به نام خورشید شکل گرفته است و این میلیاردها میلیارد خورشید در هزاران هزار کهکشان عالم وجود دارد. همه این ها بخشی از دنیای ما هستند. اما این تنها دنیای موجود در کائنات نیست.

بر طبق نظریه دنیاهای موازی که دانشمندان از طریق روابط ریاضی و قوانین نظری فیزیک مدرن به آن پی برده اند، هزاران هزار دنیا مثل دنیای ما امکان وجود دارد. دنیاهایی که شاید فاصله ی ما با آنها از یک تار مو هم کمتر باشد و ما آنها را نمی بینیم، چون ذهن و مغزمان توان دیدن و مشاهده آن دنیاها را ندارد. در هر کدام از این دنیاها ممکن است موجوداتی در حال زندگی باشند. دنیای ما هم موازی دنیای آنها وجود دارد و آنها هم شاید به دلایل مشابه نمی توانند دنیای ما را ببینند.

نظریه دنیاهای موازی در قانون جذب همه چیز را معنا دار می کند؛ برای مثال آرزو کنید که ای کاش صاحب اتومبیلی خاص با رنگ مشخص شوید. اتفاقاً در کنار شما ده ها نفر همکار، همکلاس، خواهر و برادر هم همین آرزو را به کائنات ارسال می دارند. طبق قانون جذب باید کائنات برای هر کدام از آنها اتومبیلی اختصاص دهد؛ اما چگونه این امر امکان پذیر است؟

در قانون جذب گفته می شود در خصوص این که چگونه آرزویمان محقق می شود، اصلاً نگران نباشید. شما فقط کافیست آرزوی را در دل بگردانید و محکم و استوار روی تحقق حتمی آن پافشاری کنید و حتی در دنیایی که این آرزو محقق شده زندگی کنید. اما این دنیا کجاست؟

من فکر می کنم ما با استفاده از قانون جاذبه، دنیاها موازی را که به نظر من بیشتر به مفهوم زمان های موازی هم می باشند تغییر می دهیم؛ یعنی اینکه مثلاً در همین لحظه هزاران لحظه دیگر از زندگی شما در حال جریان است. چه از گذشته و چه از آینده و شما با این انرژی آینده خود را در حال تغییر می دهید. به راستی شما چه می خواهید؟

دختر نمی خواهم!

مشکل این جاست که مردم به چیزهایی که نمی خواهند فکر می کنند و تعجب می کنند که چرا برایشان رخ می دهد. نمود عینی این مطلب، یکی از دایمی های مادر خودم است. با احترام برای تمام دختران جهان و به خصوص دخترخانم های ایرانی و ضمن اعلام این که اصلاً با عقیده ایشان موافق نیستم و اعتقاد دارم فرزند باید سالم باشد و دختر یا پسر بودنش مهم نیست؛ اما دایمی مادر خودم دائماً به این مطلب فکر می کرد که اصلاً دختر نمی خواهد و دست آخر خداوند نه یکی بلکه دو دختر را به او و همسرش داد؛ پیش چشمتم داشتی شیشه کبود لاجرم عالم کبودت می نمود



قانون جاذبه اهمیت نمی دهد که شما چه چیزی را خوب می دانید و چه چیزی را بد. آن به افکار شما جواب می دهد. پس اگر شما جایی بنشینید و به کوهی از بدکاری ها فکر کنید، این همان سیگنالی است که به کائنات عرضه می کنید. شما این را به خودتان اثبات و با تمام وجود حس می کنید و بیشتر و بیشتر نیز به دست خواهد آمد.

قانون جذب مطیع است. وقتی به آن چیزهایی که نمی خواهید دقیق می شوید، قانون جذب نمی شنود که شما آن را نمی خواهید. وقتی به چیزی دقیق می شوید، به آن حالت وجودی می دهید.

پس نگویید:

دختر نمی خواهم؛

نمی خواهم دیر برسم؛

نمی خواهم سرما بخورم؛

نمی خواهم... .

در عوض بگویید:

پسر می خواهم!

زود می رسم!

می خواهم سالم باشم!

این بهتر نیست؟

آهنربا

وقتی شما به چیزی فکر می کنید که آن را دوست دارید (مثلاً یک همسر زیبا و مهربان یا فرزندی سالم و مودب)، در حقیقت مشغول فعال کردن فکری هستید و قانون جاذبه هم به آن پاسخ می دهد و یک همسر زیبا و مهربان یا بچه هایی سالم و مودب به شما عطا می کند.

ولی وقتی به چیزی نگاه می کنید که آن را نمی خواهید و در وجودتان فریاد مخالفت می زند، قانون جاذبه همان چیز را در سر راهتان قرار خواهد داد. این جاست که ضرب المثل اجداد و پدر بزرگان ما به ذهن می آید:

بخند تا دنیا به روت بخند؛

شکر نعمت، نعمت افزون کند؛

عاقبت جوینده یابنده بود؛

دنیا را هر طور بگیری، همان طور می گذرد؛

مار از پونه بدش می آید؛ در لانه اش سبز می شود.

و به همین صورت اشعار ادبیات غنی نیاکانمان:

گر در طلب گوهر کانی، کانی
ور زنده به بوی وصل جانی، جانی

القصة حدیث مطلق از من بشنو
هر چیز که در جستن آنی، آنی

(شیخ سعید ابوالخیر)

ای برادر تو همه اندیشه ای
ما بقی خود استخوان و ریشه ای

گر گل است اندیشه تو گلشنی
ور بود خاری تو همیشه گلخنی

ذره ذره کاندین ارض و سماست
جنس خود را هر یکی چون کهریاست

(مولوی)

در محفل خود راه مده همچو منی را
افسرده دل افسرده کند انجمنی را

(قائم مقام فراهانی)

چشمان خود را ببندید و در ذهن و قلب خود به خداوند توجه کنید؛ خدایی که رحمان و رحیم و مطلق دانایی و عشق و ستار العیوب است. طبق قانون جذب، جهان الهی به ما نزدیک می شود و ما الهی می شویم و قطره ما به اقیانوس بی کران می پیوندد. این بالا ترین سعادت و رستگاری انسان است.

در فرهنگ ما به ما یاد داده اند که شنونده باید عاقل باشد. می توان اضافه کرد بیننده هم باید عاقل باشد. خواننده هم باید عاقل باشد. بنابراین برای خواندن و شنیدن و دیدن راز لازم است عاقل، متفکر و خردمند باشیم.

آموزه های اسلامی در نهایت به ما توصیه کرده است که با عقل خود مشورت کنیم (عقل رسول باطنی است). بنابراین این هنگام مطالعه و استفاده از هر چیزی، از جمله همین کتاب الکترونیکی راز، شما را به مطابقت آن با عقل، منطق، شرع و عرف توصیه می کنم. هر مطلبی از راز که می خوانید، بدانید نسبی است و در جغرافیای خود مطرح است. در غیر این صورت دچار خطای شناختی می شوید.

اجرای توصیه های راز نیاز به مراقبه، نظم، تمرکز، تمرین، پیگیری و مطالعه مداوم دارد و موضوع به این سادگی هم نیست؛ آن چنان که بزرگان تاریخ نیز بسیار سخت کوش بوده اند. تصور نشود که تنها با خواستن و بدون زحمت به نتیجه می رسید. (رفتن این اطلاعات در ناخود آگاه کمی مشکل است)



انسان منفی نگر که به شناخت قدرت های بی کران خود در زمینه ی اخلاق و زندگی نپرداخته، متأسفانه به زندگی محدود خود عادت کرده و شرطی شده است. این عادت ها و شرطی شدگی ها آفت رستگاری و موفقیت اوست.

تا زمانیکه روش هایی برای تغییر این عادت ها نداشته باشیم، نمی توانیم به اهداف راز برسیم در نتیجه دچار توهم و گمراهی می شویم. کائنات بر پایه جاذبه ساخته شده اند. همه چیز به جاذبه ختم می شود. قانون جاذبه مانند آهنربا همیشه در حال فعالیت است و عمل می نماید. پس ما می توانیم در دیدگاه ها و گرایش هایمان مثبت باشیم و افراد مثبت را جذب کنیم.

ترک عادت موجب مرض نیست!

وقتی به ما می گویند خسته نباشی در اصل خستگی را به یادمان می آورند و ناخودآگاه احساس خستگی می کنیم (با خودتان امتحان کنید)؛ اما اگر به جای آن از يك عبارت مثبت استفاده شود نه تنها نیروی از دست رفته، ترمیم و خستگی جسم را از بین می برد؛ بلکه نیروی مثبت و سازنده ای را به افراد هدیه می دهیم. ترک عادت همیشه موجب مرض نیست. باور کنید.

مثلاً:

به جای پدرم درآمد؛ بگوئیم: خیلی راحت نبود.

به جای خسته نباشید؛ بگوئیم: خدا فوت.

به جای دستت درد نکنه؛ بگوئیم: ممنون از محبتت. سلامت باشی.

به جای ببخشید مزاحمتون شدم؛ بگوئیم: از این که وقت خود را در اختیار من گذاشتید متشکرم.

به جای لعنت بر پدر کسی که اینجا آشغال بریزد؛ بگوئیم: رحمت بر پدر کسی که اینجا آشغال نمی ریزد.

به جای گرفتارم؛ بگوئیم: در فرصت مناسب با شما خواهم بود.

به جای دروغ نگو؛ بگوئیم: راست می گوی؟ راستی؟

به جای خدا بد نده؛ بگوئیم: خدا سلامتی بده.

به جای قابل نداره؛ بگوئیم: هدیه برای شما.

به جای شکست خورده؛ بگوئیم: با تجربه.

به جای مگه مشکل داری؛ بگوئیم: مگه مسأله ای داری؟

به جای فقیر هستم؛ بگوئیم: ثروت کمی دارم.

به جای بد نیستم؛ بگوئیم: خوب هستم.

به جای به درد من نمی خورد؛ بگوئیم: مناسب من نیست.

به جای مشکل دارم؛ بگوئیم: مسأله دارم.

به جای جانم به لیم رسید؛ بگوئیم: چندان هم راحت نبود.

به جای فراموش نکنی؛ بگوئیم: یادت باشد.

به جای داد زن؛ بگوئیم: آرام باش.

به جای من مریض و غمگین نیستم؛ بگوئیم: من سالم و با نشاط هستم.

به جای غم آخرت باشد؛ بگوئیم: شما را در شادی ها ببینم.



چشم ها را باید شست... جور دیگر باید دید

وقتی فردی بیشتر از ثروت حرف می زند، ثروتمندتر می شود. وقتی زنی بیشتر از یک نوزاد دختر خوشگل و زیبا تعریف و آن را در ذهن مجسم می کند، صاحب یک دختر زیبا می شود. قانون جاذبه همه جا پیرامون ما وجود دارد. فقط باید آن را بشناسیم. در واقع تمام تجربه های ما به خاطر همین نیروی قدرتمند است.

برای شناخت قانون جاذبه چشم ها را باید بشوئیم و جور دیگر ببینیم. به عبارت بهتر همان مثبت اندیشی که بسیاری از ما، آن را زیاد جدی نمی گیریم. برای این مهم:

۱. احساس خوبی نسبت به خود داشته باشید و خود را خوب و توانا بدانید.

۲. لیستی از نقاط مثبت خود تهیه کنید و در تقویت آن ها بکوشید.

۳. لیستی از افکار منفی خود در طی روز تهیه و سعی کنید برای هر فکر منفی، یک فکر مثبت معادل بیابید تا به کمک آن بتوانید با افکار منفی مقابله کنید.

۴. افکار خود را متوجه خوبی ها و جنبه های مثبت زندگی کنید تا به مرور مثبت نگر شوید.

۵. هر روز صبح که از خواب بر می خیزید، با نگاه کردن به منظره یک تابلوی نقاشی زیبا و یا اسامی خداوند مهربان، روز خود را با نشاط و خوش بینی آغاز کنید.

۶. از افراد منفی نگر تا حد ممکن دوری کنید. "تا حد ممکن" از آن جهت که شاید این شخص، از اقوام نزدیک شما باشد که قطع کامل ارتباط راه حل درستی نیست.

۷. به مشکلات به عنوان محکی برای ارزیابی توانایی های خود نگاه کنید و هرگز نتیجه بدی را پیش بینی نکنید. مشکلات به اندازه ای که ما آن ها را مهم تصور کنیم، مهم هستند.

۸. از چشم و هم چشمی و حسادت که باعث ایجاد افکار منفی می شود دوری و سعی کنید روش زندگی خود را خودتان انتخاب کنید.

۹. هرگز شعار خواستن، توانستن است را فراموش نکنید و بدانید که در سایه ی سعی و تلاش به آنچه بخواهید می رسید.

۱۰. این شعار را فراموش نکنید: اگر افکارمان را کنترل کنیم، زندگی مان متحول می شود.



پس فراموش نکنید چشم ها را بشوید تا جهان را زیباتر ببینید. قدر لحظات زندگی را بدانید و از آن ها به خوبی استفاده کنید، زیرا هرگز تکرار نخواهد شد.

گل، هدیه ای برای آرامش

تصور کنید هر روز صبح که از خواب بلند می شوید و پرده ها را از جلوی پنجره کنار می زنید، با دشتی از گل های زیبا روبرو می شوید. آیا زیبا نیست؟ درست است که شاید خلق این منظره دل انگیز برای تمام ما انسان های شهرنشین یا حتی روستانشین ممکن نباشد، ولی گمان نمی کنم یک شاخه گل کار چنان سختی باشد. انگار سخت ترین کار دنیاست وقتی دست به جیب می بریم تا پولی برای خرید یک شاخه گل بدهیم. طی روز و هفته و ماه و سال هر کاری می کنیم تا آرامش و لبخند را به آنان که دوستشان داریم هدیه دهیم، اما ریالی برای خرید یک شاخه گل با دنیایی از آرامش نمی پردازیم. گل را ندیدن و نخریدن و هدیه ندادن در میان بسیاری از ما، تبدیل به فرهنگی شده که در میان هیاهوی زندگی آهنی و سیمانی، گل ها را هر روز پژمرده تر می کند. شاید اگر مناسبت هایی چون خواستگاری، بازگشت از سفر حج، به دنیا آمدن نوزاد یا برخی مناسبت هایی که خاص گروه سنی جوانان است نبود، گل خریدن و گل هدیه دادن به طور کامل از فرهنگ ایرانی ها حذف می شد و تنها این سنگ قبر مردگان بود که بدون استثنا، تاج گل را به خود می دید. گذری در لابلای قبور بهشت زهرا، دسته گل هایی را نمایش می دهد که در یادبود مردگان، بر سر مزارشان گذاشته شده است بی آنکه در زندگانی، شاخه گلی برایش هدیه برده باشند!

تأسف انگیز نیست وقتی می توانیم با شاخه گلی، موجی از انرژی مثبت را در خود و اطرافیانمان خلق کنیم؛ اما از این کار غافلیم؟ بسیاری از شهروندان، با آن که وقتی صحبت از گل می شود طبع شعر و سخنشان گل می کند، گل خریدن و گل را پرورش و رشد دادن، جایگاهی در میلیون ها تومان هزینه جاری زندگی شان ندارد؛ درحالی که تمام تلاش زندگی برای رسیدن به آرامش است و نگاه به گل سرشار از آرامش. خریدن گل، کاشتن گل و گیاه و به طور کلی نگاه کردن به گل باعث برانگیخته شدن احساس شادی، آرامش و طراوت، مثبت اندیشی و دوری از غم و اندوه می شود.

پس همین امروز شاخه گلی را برای برادر یا خواهر خود بخرید و به او تقدیم کنید. همین حالا که می خواهید از سرکار برگردید، شاخه گلی را برای همسران بخرید و او را غافل گیر نمایید. لطفاً بهانه های بعضی افراد را نیاورید که آن وقت [بازرگان مدیسه](#) از دستتان ناراحت می شود. بهانه هایی نظیر:

گل بخرم، پژمرده می شود...؛
گل خریدن، هدر دادن پول است...؛
گل مصنوعی ماندگاری بهتری دارد...؛
قیمتش خیلی گران است!
جان هرکسی که دوست دارید، این بهانه ها را نیاورید. اصلاً گل اولی را مهمان بازرگان مدیسه باشید. خوب است؟

وجود داری پس جاذبه داری

می دانیم هر جسمی را اگر از ارتفاعی بیندازیم، به سمت زمین می افتد چون هم جسم و هم زمین دو جرم هستند که جاذبه دارند؛ ولی چون جاذبه و جرم زمین بیشتر است، جسم حرکت می کند. ولی این را بدانید جاذبه ما خیلی بیشتر از کائنات است اگر و اگر ما بخواهیم. پس خودمان را سفت بگیریم که می خواهیم کائنات را حسابی تکان دهیم!

وزن کائنات خیلی کمتر از ذهن ما است چون در ذهن ما هزاران کائنات در لحظه آفریده می شوند. این حرف ها شعار نیست. جملات زیبا و ارزشی کتاب ها و مجلات موفقیت نیز نیست که امروزه در بین مردم باب شده است و با اشتیاق آن ها را می خردند، سریع می خوانند، یک هفته یا حداکثر یک ماه با انرژی و پرانگیزه می شوند و بعد از آن دوباره روز از نو!

من برایتان از یک مفهوم اساسی و عمیق حرف می زنم. شما نمی توانید جهانی را داشته باشید بدون این که ذهن را با آن تلفیق کنید. شما نمی توانید شاهزاده رویاهایتان را سوار بر اسب سفید ببینید که به دنبالتان می آید وقتی دائماً حرف از ناامیدی و تنهایی می زنید و اسم خودتان را می گذارید: دختر ترشیده!!!

این نکته بسیار مهم است که بدانیم محلی که ما باید انرژی را در آن ثبت کنیم و به کائنات بفرستیم، قلب است نه مغز؛ چون مغز محلی است برای جذب انرژی و قلب محلی برای خروج من. من که خودم همیشه از تمام نقاط بدنم انرژی را جمع می کنم در قلبم و در آن موقع است که وجودم گرم می شود.

در واقع این ذهن است که هر چه را ما می بینیم، به آن شکل می دهد. اگر شما این را درک نمی کنید، به این معنا نیست که باید رد بشود. آیا شما به طور دقیق و علمی، طرز کار برق (الکتریسیته) را درک می کنید و می فهمید؟ من که نمی فهمم اما این را خوب می دانم با مایکروفر که برق آن را فعال می کند، غذای یک نفر را مهیا می سازند.

همین الان شروع کنید

بیشتر مواقع وقتی مردم این راز بزرگ را درک می کنند، به خاطر افکار منفی شان وحشت می کنند. من به شما می گویم جای نگرانی نیست، به هیچ وجه. به دو دلیل:



۱. امروز به صورت علمی ثابت شده است که یک فکر مثبت صدها بار قوی تر از یک فکر منفی است. پس همین تا حدودی می تواند آن نگرانی را برطرف کند.

۲. شما در دنیای زندگی می کنید که یک فاصله زمانی بر آن حکم فرماست و این به نفع شماست. رخدادها به زمان نیاز دارند و این فوق العاده است چرا که شما همین حالا می توانید افکار مثبت را به ذهن خود بیاورید تا آثار افکار منفی را دور کنید. به همین راحتی!

رهبان و روسای گذشته که این راز را می دانستند، می خواستند قدرت را حفظ کنند و آن را تقسیم نکنند. به همین خاطر مردم را بی اطلاع از این راز نگه می داشتند. ما در جهانی زندگی می کنیم که پر از قانون است. اگر شما از ساختمان بلندی بیفتید، مهم نیست که آدم خوبی هستید یا بد. حتماً با مغز زمین می خورید و به آن دنیا می روید و باید حلوایتان را هم بخوریم! (البته دور از جان شما اما خب تعارفی در بحث نداریم)

این مطلب را شاید نخواهید قبول کنید و بهانه هایی بیاورید از جمله: من آن تصادف اتومبیل را جذب نکردم... بدهکاری را جذب نکردم... طلاق از همسر را جذب نکردم... و... اما من نه تنها حرف شما را قبول ندارم بلکه در مقابلتان می ایستم و فریاد می زنم: خیر! شما این ها را جذب کرده اید.

من نمی گویم افکارتان را کنترل کنید چون قطعاً سر از آسایشگاه درخواهید آورد! صحبت من این است که مراقب افکار خود باشید. اولش سخت است. قبول دارم اما جذابیت از همین جا شروع می شود. افکار، احساسات را پدید می آورد. احساسات نعمت بزرگی است که به ما داده می شود که بفهمیم چه چیزی را جذب می کنیم. ما دو احساس داریم:

احساس خوب و احساس بد.

پس احساس خوب داشته باشید و بر آن اصرار کنید. هر چه احساس بهتری داشته باشید، جهت گیری شما دقیق تر و خوب تر خواهد شد. هر آن چیزی را که شما احساس می کنید، بازتاب کاملی است از چیزی که در روند پدید آمدن است. به همین شکل است که پولدارها پولدارتر می شوند و فقرا فقیرتر.

همین الان شروع کنید. احساس سلامتی و ثروتمند بودن کنید. احساس کنید حتی اگر وجود ندارد. مطمئن باشید جهان هستی به ترانه وجود شما پاسخ خواهد داد و آشکار خواهد شد. می دانم. می دانم قبول کردنش از **بازرگان مدیسه** سخت است و ممکن است بگویید: شاید دیوانه شوم.

من در پاسخ به این جمله می گویم اگر بپذیرید، پیامدهای فوق العاده ای را خواهد داشت. چیزی که احساس می کنید و چیزی که پدیدار می شود، همیشه یکسان هستند: تمام دفعات؛ بدون استثناء. به قول وینستون چرچیل: شما جهان خود را می سازید همان طور که در آن پیش می روید. وقتی احساس شکست می کنید، آواز بخوانید یا یک موسیقی زیبا گوش کنید. این کار حس شما را تغییر خواهد داد.

یا به چیزی زیبا فکر کنید: یک نوزاد خندان، شخصی که عاشقانه دوستش دارید یا... آن وقت روی این احساس توقف کنید و نگاهی دارید. باقی را از ذهن بیرون بریزید؛ درست مانند زباله هایی که در هنگام خانه تکانی نزدیک عید نوروز از خانه بیرون می ریزید.

به این راه و روش عادت کنید تا زودتر از آن چه که فکرش را می کنید، خالق زندگیتان بشوید. زندگی می تواند رویایی باشد اگر شما از این راز استفاده کنید.



علاءالدین و چراغ جادو

داستان علاءالدین و چراغ جادو را به خاطر دارید؟ همان پسرک فقیری که با یک چراغ کهنه، به تمام خواسته هاش رسید؟ حالا من به شما می گویم آن علاءالدین خودتان هستید و غول چراغ جادو همین جهان هستی پیرامون من و شما. غول در واقع به دستور شما عمل می کند چرا که همان قانون جذب است.

روند خلقت یک فرآیند سه مرحله ای است:

۱. آن چیزی را که می خواهید طلب کنید

نیاز به گفتن نیست. به آن فکر کنید. کائنات به این افکار پاسخ می دهند. اولین مرحله، درخواست کردن است. باید آن چه را می خواهید، انتخاب کنید؛ اما به طور دقیق. اگر به روشنی ندانید که چه می خواهید، غول جاذبه نمی تواند کاری بکند؛ چرا که امواج مخدوش می فرستید و نتایج مبهمی به دست می آید.

پس عادت کنید که بخواهید و طلب کنید. هرگز متوقف نشوید. دنیا مثل یک کاتالوگ خرید است. در واقع شما به کائنات سفارش می دهید. مجبور نیستید بارها و بارها خواسته تان را مطرح کنید. کافیست یک بار بخواهید و طلب کنید. مرگ یک بار، شیون یک بار!

۲. به درخواست جواب بدهید

قدم دوم باور کردن است. پیشاپیش باور داشته باشید آن چه را طلب کرده اید، از آن شماست. یک ایمان بدون چون و چرا. باید طوری حرف بزنید و عمل کنید که انگار مطلوب خود را هم اکنون به دست آورده اید.

چه چیزی را می خواهید؟ آن را با جمله مضارع بنویسید مثلاً:

الف) من شکرگزار خدا هستم که به من سلامتی عطا می کند؛



(ب) من یک مرسدس بنز کلاس A می خواهم؛
(ج) من عشق بازی با همسر مرا در ساحل ویلاي خود در کنار دریا می خواهم؛
(د) من... می خواهم.

۲. دریافت کنید

یعنی خودتان را هم جهت با چیزی قرار دهید که طلب می کنید. نخستین قدم را با ایمان بردارید. نیازی نیست تمام پله ها را ببینید. کافیهست که نخستین قدم را بردارید. عالم هستی بسیار احساسی است. اگر با آگاهی چیزی را باور داشته باشید اما به آن بی احساس، از قدرت کافی برای متجلی کردن آن برخوردار نخواهید شد. پس باور کنید آن چه را می خواهید، دریافت کرده اید.

کار و قانون جاذبه

در یک دوره ای از زندگی علاقه مند بودم که همانند پدرم پشت میزی بنشینم و کار بکنم. پشت میز اداره ای که همیشه در پایان سال، تقویم و سالنامه های زیبایی را پذیرا بود. در سال آخر دانشگاه بود که متوجه شدم حقیقتاً روحیه شغل کارمندی، پشت میز نشینی، حقوق آب باریکه و... را ندارم. می دانم که شاید برخی از شما دوستان بگویند: "چقدر اعتماد به نفس داری! تصور می کنی برای کار دولتی، فریض فرمز برایت پهن کرده اند؟" اما این باور من است که روزی شرکتی را تأسیس خواهم کرد و با آن کارهای بزرگی را انجام می دهم. تنها ۱٪ به این هدف نمی رسم و آن هم در صورتی است که خداوند نخواهد. قطعاً شما موافق هستید که خداوند بالاترین است؛ حتی بالاتر از کهکشان ها و کائنات. کائنات منشأ خیر و برکت است در نتیجه با آدم های خودخواه سر و کاری ندارد.

پول و قانون جاذبه

یک باور نادرست در جامعه ما رواج پیدا کرده است که هر کسی مال و اموال دارد، یا کلاه برداری می کند، یا بی دین است یا همسرش... آیا نباید برای این نگرش ها و باورهای رایج تأسف خورد؟ آیا این شایسته جامعه ما انسان هاست؟ پول چیز بدی نیست اگر در کنار آن اخلاق فراموش نشود. آدم های پول دار میانگین هوشی بالاتری نسبت به سایر افراد ندارند، اما انتخاب های آنها در مورد نحوه خرج کردن پول و صرف زمان با بقیه افراد فرق می کند. من به شما پیشنهادی را می دهم. یک اسکناس ۵۰۰۰ تومانی را برای این کار انتخاب کنید... نه! بیخشید! از آن جایی که [بازرگان مدیسه](#) دوست ندارد شما مبلغ کلانی را!!! از دست بدهید، تصویر یک اسکناس ۵۰۰۰ تومانی را تهیه کنید.



سپس چند صفر ناقابل را جلوی صفرهای دیگر بگذارید و بعد از آن به خود بگویید: "دوست دارم به لطف خدا و تلاش خود و دعای خیر پدر و مادر، ۵ سال بعد ۵۰۰۰ تومان پول داشته باشم" و این نکته را قلباً باور کنید. من به شما پیشنهاد می کنم این تصویر را به جایی نصب کنید که هر روز آن را ببینید؛ مثلاً در کنار تخت خواب یا حتی به شکل تصویر پس زمینه کامپیوتر خود. وقتی به طور مداوم این فرکانس (پول داشتن) را منتشر می نمایید، اطمینان داشته باشید اثرات مثبت بسیاری را برایتان به ارمغان خواهد آورد. پس برای جذب کردن پول باید روی پول و پولدار بودن متمرکز بشوید.

برخی که همیشه از تهیدستی می نالند، در واقع چوب اندیشه و فکر منفی خود را می خورند. همین الان چشمانتان را ببندید و در فامیل یا دوستان کسانی را که این گونه هستند به خاطر بیاورید: آیا همیشه از بی پولی و تنگدستی نمی نالند؟ آیا همواره نزد همسر و فرزندان خود شرمند نیستند؟ قبول دارم که در این جهان عدالت کافی وجود ندارد اما بپذیریم که بسیاری از بی عدالتی ها تقصیر خودمان است.

وقتی شما در خرید کالایی تخفیفی را نمی گیرید (در شرایطی که مشتری قبلی شما آن تخفیف را گرفته است)، به بی عدالتی کمک کرده اید. مثلاً ۲۰۰۰ تومان ناقابل، از شما سوال می کنم: با ۲۰۰۰ تومان چند پیامک می توانید برای دوستان و اقوام ارسال کنید و آن ها را خوشحال کنید؟ با ۲۰۰۰ تومان چند بستنی می توان خرید و با دلی خوش در کنار اعضای خانواده نوش جان کرد؟

شادی و نشاط حاصل از پولدار بودن را همین حالا حس کنید. باور کنید نعمت هم اکنون برای شما وجود دارد. کار شما این نیست که بدانید چگونه پولدار می شوید. کار شما این است که بخواهید پولدار بشوید.



اگر پول بیشتری می خواهید، باید حس خوبی نیز به آن داشته باشید. باید به خاطر پولی که همین حالا در کیف پولتان است، **شکر** خداوند را بگویید.

شکرگزاری را در عمل نشان دهید. پول بدهید تا پول به دست آورید. صدقه بدهید. حساب قرض الحسنه باز کنید. به نیازمندی کمک کنید حتی اگر در حد خرید یک لباس باشد. حتماً می دانید که بسیاری از ثروتمندان دنیا، افراد نوع دوست و نیکوکاری هم هستند. آن ها پول های کلانی را صرف کارهای خیر می کنند و چون پول می دهند، خداوند نیز پول بیشتری را به سوی آن ها سرازیر خواهد کرد.

همیشه برای دوستانم مثالی را می زنم:

تصور کنید خداوند یک گلوله **طلایی** بزرگ دارد. در واقع خیلی بزرگ. به اندازه یک اتوبوس. حالا خدا می خواهد این گلوله طلایی ۲۴ عیار را برای یک بنده خود در کره خاکی پرتاب کند. دو نفر کاندیدای دریافت این توپ طلا هستند:

۱. شخصی که پول را تنها برای خود می خواهد؛

۲. شخصی که می خواهد با این پول، به هم نوعان خود نیز کمک کند.


حالا به نظر شما توپ طلا به چه کسی خواهد رسید؟

پول خرج کنید اما ناگهان از آن ور بام نیفتید که به نان شب محتاج بشوید. اعتدال را از یاد نبرید.

مطمئن باشید خداوند به یاریتان خواهد آمد. جزئیات کار را به خودش بسپارید.

یک پیشنهاد!

از تصویر زیر چندین کپی تهیه کنید و در کیف پولی یا جیب لباستان که همیشه همراهتان است، قرار دهید. درست مانند یک دسته چک! شاید در نگاه اول خنده دار باشد، اما با نوشتن مبلغی که خواهان آن هستید و گذشت زمان، احساس نعمت و ثروت را برای خود به ارمغان می آورید.

	<h1>راز</h1>	<p>تاریخ</p> <p>تاریخ به حروف نوشته شود</p>
<p>ریال</p> <p>سپردارید</p>		<p>بموجب این چک مبلغ</p> <p>در وجه</p> <p>حساب شماره</p>
<p>ریال</p>		

روابط و قانون جاذبه

وقتی می خواهید چیزی یا شخصی را به زندگی جذب کنید، توجه کنید که عملتان با خواسته تان تناقض نداشته باشد.

شاید شما پسر یا دختر جوانی باشید که مثل خودم بی صبرانه منتظر این هستید که خداوند نیمه گمشده تان را در مسیرتان قرار دهد. من از شما سوال می کنم:

چه اقدامی در جهت جذب همسر رویاهایتان انجام داده اید؟

چه موقعیت هایی را برای تحقق آرزویتان خلق نموده اید؟

در زمینه روابط مهم این است که شخص چگونه وارد رابطه می شود. قبل از آن که به دیگری ببینید، درک صحیحی از خود به دست آورید.

وقتی شما از مصاحبت با خود لذت نمی برید، چگونه می توانید انتظار داشته باشید دیگران از صحبت و ارتباط برقرار کردن با شما لذت ببرند؟

وقتی شما عشقی را در وجود خود حس نمی کنید، چه چیزی را می خواهید به همسر آینده تان تقدیم بکنید؟ زمانی که با خود آن رفتاری را ندارید که دوست دارید سایرین در قبال شما داشته باشند، هرگز نمی توانید اوضاع را تغییر بدهید. اعمال شما، اندیشه های قدرتمند شما هستند. اگر به خودتان عشق نورزید، به کائنات علامت می



دهید که به اندازه کافی مهم نیستید، به اندازه کافی ارزشمند نیستید و یا شایستگی های لازم را برای جذب یک همسر خوب ندارید. در نتیجه دیگران با شما خوب برخورد نمی کنند. مردم معلول هستند و رفتار شما علت: وقتی دختری هستید که همیشه اخمو جلوه می کنید، چگونه انتظار دارید در یک مهمانی خانوادگی یا دوستانه مورد توجه شاهزاده رویاهایتان قرار بگیرید؟ والیته شاید هم مورد توجه مادر شاهزاده رویاهایتان؟! وقتی پسر نامیدی هستید که همیشه و همه جا از خود و زمانه گله مند است، چگونه می توانید دخترخانمی را به خود جلب کنید؟

با خود با عشق و احترام حرف بزنید. این گونه قانون جاذبه تمام عالم هستی را تکان می دهد و زندگی شما پر از کسانی می شود که شما را دوست دارند و احترامتان می کنند. به خودتان برسید تا چیزی داشته باشید که به دیگران تقدیم کنید. به خود نگویید: من پسر بی پولی هستم؛ به خود نگویید: من دختر زیبایی نیستم؛ حرف های امیدوارانه بزنید: اگر پولی ندارم که با آن خانه ای بخرم، در عوض خداوند مهربانی را دارم که خودش در کتاب مقدس خود گفته است روزی رسان است؛ من هیچ چیزی از دخترهای دیگر کم ندارم و زیبایی های خاص خودم را دارم.

پس نسبت به خود حس خوبی را داشته باشید تا عشق بر شما وارد شود. حتی اگر در روابط خود دچار مشکلات جدی هستید، برگه کاغذی را بردارید و به مدت ۳۰ روز، همه جنبه های مثبت شخصیت خود را بنویسید. این گونه، بیشتر و بیشتر مثبت ها را جذب وجودتان خواهید کرد. هر آن چه از آن لذت می برید، در طول موج عشق قرار دارد که بزرگ ترین طول موج هاست. هر کس را که می توانید دوست بدارید. عشق را با تمام وجود احساس کنید و فراموش نکنید که در نهایت والدین، فرزند و حتی همسر شریک خوشبختی شما هستند، نه تضمین کننده آن!



سلامتی و قانون جاذبه

همه ما افراد زیادی را دیده ایم که در پی کاهش وزن خود هستند و سختی های بسیاری را نیز متحمل می شوند؛ اما آن نتیجه دلخواه خود را نمی گیرند. به نظر شما علت در چه موردیست؟ اجازه بدهید از این فرآیند خلاق قانون جاذبه بهره بگیرم. اولین نکته در این است که اگر روی وزن کم کردن، دقیق و متمرکز بشوید، اجبار وزن کم کردن را به خود جذب می نمایید. دلیل موفق نبودن رژیم های غذایی نیز در همین مورد است. چرا دائماً همه از چاقی صحبت می کنند؟ دقت کرده اید که تمام افراد چاق از همین اضافه وزن خود، همیشه می نالند؟ باور کنید غذا مسئول چاق شدن ما انسان ها نیست. این اندیشه ماست که سبب چاقی می شود. اندیشه علت همه چیز است. پس درست فکر کنید تا وزنی ایده آل داشته باشید. وزن ایده آل وزنی است که به شما احساس خوب بدهد. مهم نیست دیگران چه فکر می کنند.

پس:

۱. درخواست کنید که می خواهید چه وزنی را داشته باشید؛

۲. باور کنید که می توانید به این وزن برسید؛

۳. و در نهایت احساس خوب حاصل از وزن ایده آل خویش را دریافت کنید.

سلامتی تنها کاهش وزن نیست. بدن ما محصول اندیشه ماست. وقتی دارویی به شما داده می شود که دردتان را کم می کند، در واقع اندیشه حس خوب آرامش را در ذهنتان بیدار می کند. حس خوب نداشتن درد و سلامتی. بیماری ها تلنگری برای ما هستند که به ما بگویند: سپاس گزار نیستیم؛ به اندازه کافی مهر نمی ورزیم؛ و از یاد خدا غافل شده ایم.

گاهی اوقات لبخندی ملیح و یا خنده ای از ته دل، هزاران هزار برابر موثرتر از داروهای ضدسرطان است. شاید به همین علت، نیاکان ما بیان کرده اند: خنده بر هر درد بی درمان دواست. همیشه از سلامتی صحبت کنید و خدا را بابت این نعمت بزرگ شکر کنید. در کسی که از احساس سلامتی برخوردار است، بیماری نمی تواند رشد کند. اندیشه های شادمان تولید جسم سالم تر می کند. "درمان ناپذیر" بی معناست. از گل نیز غافل نشوید!

نتایج رفتارشناسی پژوهشگران نشان می دهد که هدیه دادن گل به خصوص هنگام عیادت از بیماران، بیش از هر چیز دیگری موجب شادی و تغییر روحیه آنان می شود. این در شرایطی است که عادت کرده ایم برای عیادت بیماران فقط کمپوت، آب میوه یا میوه ببریم؛ ولی می توان برای عیادت بیمار فقط به آن لحظه فکر نکرد. براساس



مطالعه پژوهشگران، خریدن گل و نگاه کردن به آن، موجب برانگیخته شدن احساس شادی، آرامش، طراوت، مثبت اندیشی و دوری از غم و اندوه می شود. پروفیسور "جنت هاویلند جونز" روان شناس دانشگاه راجرز می گوید که نکته جالب توجه درباره نقش گل در سلامت روحی و روانی افراد آن است که فرد با تماشا کردن به گل و لذت بردن از طراوت، رنگ و عطر زیبای آن، می تواند حالت روحی نامتعادل خود را تغییر دهد و به حالت طبیعی بازگردد. نگاه کردن گل، تأثیری طولانی بر حالت روانی بیمار می گذارد و رفتار او را به سرعت دگرگون می کند؛ به طوری که افرادی که در پیرامون شان گل و گیاه وجود دارد، دو تا چهار برابر آرام تر، مهربان تر و شادتر از دیگران ارزیابی شده اند و می توانند این حس را با رفتار مثبت خود به دیگران نیز منتقل کنند.

قانون جاذبه و جهان امروز ما

جنگ، گرسنگی، فقر، کشتار، اسلحه، مواد مخدر و... آیا این کلمات حس خوبی را به شما منتقل می کنند؟ هر روز چندبار با این لغات در رادیو، تلویزیون، روزنامه و سایر رسانه ها روبرو می شوید؟ صادقانه می گویم، خود من هر روز اخبار ایران و جهان را دنبال می کنم. روزی نیست که خبری درباره جنگ، کشتار و فقر مردم دنیا نبینم و نشنوم. هیچ دقت کرده اید علی رغم این که در کشور خود ما سالیانه بودجه فراوانی در راستای مبارزه با مواد مخدر صرف می شود، اما هر سال شاهد افزایش قاچاق این مواد افیونی هستیم؟ واقعاً چرا با هر چه مبارزه می کنید، سودی عاید بشریت نمی شود؟



پاسخ این است:

روی هر چه متمرکز بشویم، همان را خلق می کنیم. روی مبارزه با مواد مخدر معطوف بشویم، جوانان بیشتری از ما قربانی این تجارت سیاه می شوند. هر چه با آسیب های اجتماعی بکنیم، بیشتر نمایان می شوند. در واقع از هر چیزی عصبانی باشیم، به آن انرژی داده ایم. عالم هستی پر از نعمت است. در واقع حتی بیش از نیاز بشریت وفور نعمت وجود دارد. به همین دلیل است که در زمان حکومت صالح موعود آخرالزمان، همه با هم مهربان هستند و هیچ گرسنه ای وجود ندارد. برای همه به اندازه کافی وجود دارد، منتهی این افراد هستند که انتخاب می کنند: یکی خانه ویلایی با استخر را طلب می کند و دیگری آپارتمان ۵۰ متری؛ یکی مرسدس بنز سال جدید میلادی را می خواد و شخص دیگر پیکان جوان!

تخته سیاهی وجود ندارد

هدف و قصد شما همان چیزی است که خود می گوید و مشخص می کنید. شما باید که زندگی خود را خلق می کنید. می توانید هم بد را انتخاب کنید و هم خوب را. تخته سیاهی در آسمان وجود ندارد که پرورگار عالمیان، سرنوشت محتومی را برای شما روی آن نوشته باشد. تخته سیاهی در آسمان نیست که این جمله را نشان دهد: "بزرگان مدیسه، مردی که دنیا را تکان داد!" تنها کار من و شما این است که بدانیم چه کار می کنیم و چه کاره ایم. باید تخته سیاه زندگیمان را پیدا بکنیم و با عشق و علاقه، آن چیزی را که خود می خواهیم روی آن بنویسیم. شادی و خوشبختی همین جاست. اگر از خوردن قرمه سبزی یا ماکارونی خوشمزه مادر یا همسران لذت نمی برده اید، همین امروز با تمام وجود از آن لذت ببرید. کارهایی را که دوست دارید، انجام دهید. از زندگی لذت ببرید تا به چیزهایی برسید که دیگران را به حیرت و تعجب وادارد.

چقدر طول می کشد شما به مطلوب خود برسید؟

قانون مشخصی وجود ندارد. این بستگی به این دارد که شما چقدر با جهان هستی هم جهت هستید. اندازه مهم نیست. شما می توانید یک آپارتمان ۸۰ متری را جذب کنید یا یک خانه ویلایی با تمام امکانات و تجهیزات در شمیران تهران را. همه چیز به این برمی گردد که آن بالا چه می گذرد. کائنات به زمان احتیاج ندارد چرا که به تعبیر انیشتین، زمان توهمی بیش نیست. یک تومان با ۱۰۰ میلیون تومان تفاوتی ندارد. جریان واحدی در کار است. تنها دلیل آن که ممکن است یک تومان یا ۱۰ میلیون تومان زودتر یا دیرتر به شما برسد، این است که شما در ذهن خود به چه فکر می کنید. چیزهای کوچک راحت تر هستند. پس با کوچکترها شروع کنید؛ مثلاً امشب یک فنجان چای قندپهلوی با دارچین را جذب کنید!!! و یا شیرقهوه بعد از یک ساعت دوندگی. شروع کردن با چیزهای کوچک، راه ساده ای برای تجربه کردن مستقیم و عینی قانون جذب است. همین کوچک ها شما را جسور می کند تا انتظارات بزرگ داشته باشید. همین کوچک ها سبب می شود که زندگیتان را پیشاپیش خلق کنید.

<http://madisehco.blogfa.com>



دوستی با حضور همیشه نهان...

شاید بعضی از شما بگویند: "ما در این شرایط محدود و زندانی هستیم". توجه کنید که هر چه ما هستیم، نتیجه افکاری است که ما داشته ایم. اگر شما نیز از این راز استفاده کنید، شروع به تغییر می کنید. توانایی و قابلیت های شخصی خود را بشناسید و کشف کنید تا با به کارگیری به موقع و صحیح آنها به موفقیت دست یابید. تسلط را می توان از طرفی به معنای احراز برتری بر افراد و اشیا تلقی نمود و از طرف دیگر به معنای سطح خاصی از مهارت بکار برد. افرادی که در سطح بالاتری از تسلط و توانایی های شخصی قرار دارند، قادرند به طور مستمر نتایجی را که عمیقاً برای آنها حائز اهمیت است دریابند.



چه کار کنیم؟

من دو شاه کلید به شما می دهم:

(الف) تهیه فهرست از چیزهایی که برای داشتن آن ها شکرگزار خداوند هستید

این فهرست را آماده کنید و هر صبح یا شب از خداوند مهربان به خاطر تمام نعمت هایی که به شما عطا کرده، تشکر کنید.

(ب) تصور کردن چیزهایی که آن ها را می خواهید

بی نهایت فوق العاده است. در ذهن خود تصور کنید که با دست هایتان فرمان ماشین مورد علاقه خودتان را گرفته اید و به سوی مقصد روانه هستید. تصور کنید که شبی رویایی را با همسر خود به صبح می رسانید و... یادتان نرود انسان چیزی می شود که به آن می اندیشد.

سخن پایانی

بالاخره نوشتن مجموعه راز به پایان رسید ولی شما تازه شروع کرده اید. اگر روزی این مجموعه در زندگیتان تحولی هر چند کوچک را ایجاد نمود، مرا در جریان موفقیت خود قرار دهید. برای اطلاع از به روز رسانی وبلاگ و مطالعه سایر مطالب حتماً به عضویت خبرنامه دربیابید. تنها با وارد کردن نام و پست الکترونیک خود در انتهای ستون پیوندها. بعد از خواندن مطالب در وبلاگ، حتماً اقدام به درج نظر کنید. آدرس این پایگاه را همیشه به خاطر داشته باشید و به دوستان خود بگویید: بازرگان مدیسه. این وبلاگ متعلق به خود شماست. با نظرات، مطالب و ایده های خود، مرا یاری کنید.

madisehco@yahoo.com

۰۹۱۳۱۸۱۵۴۸۲

<http://madisehco.blogfa.com>

حق یارتان.